



گزیده‌ای از کتاب

تبارشناسی کلاس درس در ایران

(تجربهای تاریخی و تجربه‌های زیسته)

نوشته‌ی سید محمود نجاتی حسینی



دفتر مطالعات فرهنگی
جهاد دانشگاهی



چراغ مصلح
www.cheraq24.ir



دفتر مطالعات فرهنگی

تبارشناسی کلاس های درس در ایران

(تجربه های تاریخی و تجربه های زیسته)

نویسنده: سید محمود نجاتی حسینی

ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

قطع: رقعی

سال انتشار: ۱۳۹۶

نوبت چاپ: اول

تعداد صفحات: ۲۶۲ صفحه

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

گزیده نویسی: دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی

تعداد صفحات گزیده: ۲۵ صفحه

پیشگفتار

دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی

مطالعات فرهنگی با رویکرد مطالعات فرهنگی. اجتماعی دانشگاه، یکی از رشته‌های مطالعاتی نوظهوری است که این روزها، در کشورمان نیز رونق یافته است. پژوهشگران و صاحب‌نظران این حوزه، آثار گرانسنگی به رشته تحریر درآورده‌اند که مطالعه آنها بر هر کسی که در حوزه فرهنگی و اجتماعی دانشگاه فعالیت می‌کند، واجبی انکارناپذیر است.

از دیگر سوی، حجم این مطالب چنان است که عموماً مجموعه کسانی که درگیر برنامه‌ریزی و اجرا هستند، از فرصت مطالعه تفصیلی این کتاب‌ها محروم‌اند. از این روی، دفتر مطالعات فرهنگی بر آن شده است با تلخیص و گزیده‌نویسی، این آثار را بیش از پیش دسترس‌سازد. خوانندگان می‌توانند با خواندن گزیده کتاب‌ها، از یک سوی، در مدتی کوتاه‌تر یک کتاب بخوانند و از دیگر سوی، در صورت تمایل، با مطالعه پیشینی به سراغ اصل کتاب‌ها رفته و آنها را مطالعه کنند.

در پایان یک توضیح نیز لازم است؛ و آن اینکه، گزیده‌نویسی این آثار هرگز به معنای تایید محتوای آنها نیست. صرفاً تلاشی است برای آگاهی هرچه بیشتر مخاطبان دفتر مطالعات فرهنگی با جدیدترین آثار علمی منتشرشده در کشور که می‌تواند به برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌ها یاری رساند.

مقدمه

کتاب حاضر حاصل برنامه پژوهشی کلاس درس با مدیریت دکتر عباس کاظمی (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۵) که با عنوان تبارشناسی کلاس درس در ایران تجربه‌های تاریخی و تجربه‌های زیسته، در مدت ۱۵ ماه توسط نگارنده انجام شده است؛ در این پژوهش با استفاده از روش ترکیبی، مطالعات اسنادی، داده‌های ثانویه، نشست‌های تخصصی و مصاحبه کیفی توانسته‌ایم، تجربه‌های تاریخی بینا تمدنی یونانی، ایرانی، مسیحی اسلامی، تجربه تاریخی ایران و معاصر دوره قاجاریه تا پهلوی مرتبط با کلاس‌های درس و تجربه‌های زیسته دانشجویان و تجربه‌های زیسته استادان در این زمینه را بازخوانی و بازکاوی کنیم و متنی درخور تاریخ اجتماعی - فرهنگی کلاس درس در ایران تدارک دیده‌ایم.

کلاس درس به‌عنوان هارتلند (سرزمین قلب) زندگی آکادمیک، نه تنها یک فضای اجتماعی فرهنگی و اخلاقی است، بلکه زمینه و زیست جهانی برای آموزاندن علم توسط استاد و آموزیدن علم از سوی دانشجو

نیز هست؛ یعنی آنچه در نهایت باید به فرهنگ پذیری فرهیخته مآبانه استاد و در پی آن به تبدیل شدن دانشجو به یک شهروند فرهنگی برای ملت- کشور بیانجامد.

این سه‌گانه (کلاس، درس، مدرس- دانشجو) را، چنانچه از منظر سیاست فرهنگی (نزاع حیاتی اندیشه‌ها و ایده‌ها)، سیاست فرهنگی (توانش قدرت‌مآب هویت‌سازی ایدئولوژیک و گفتمانی) و سیاست‌گذاری فرهنگی (ساماندهی، تولید و مصرف فرهنگی) نیک بنگریم عرصه و کارزاری است برای سه امر مستمر:

الف) نزاع آرا و نظریه‌ها و اندیشه‌های علمی رقیب (سیاست، فرهنگ، کلاس، درس)

ب) تکمیل و تثبیت هویت ایدئولوژیک و گفتمانی از خدا، انسان و جامعه با محوریت علم و سیاست فرهنگی کلاس درس

ج) سامان دادن به فرآیند فراورده‌های تولید و مصرف علم سیاست‌گذاری فرهنگی کلاس درس

بخش اول

بازخوانی تجربه‌های تاریخی کلاس درس

به این منظور و طبق یک برنامه تحقیقاتی مدون لازم است، این سیر و سیاحت تاریخی در فضاهای مرتبطی کاویده شود؛ فضاهایی که وفق یک تحول اجتماعی فرهنگی و از دل یک ترتیب تاریخی ظهور یافته‌اند.

بر اساس مدل تحلیل ما این تجربه‌های نمونه‌وار عبارت‌اند از:

۱- تجربه غرب یونانی مسیحی: آکادامیا، اسکولا، کالج، یونیورسیتاس، فکولته

۲- تجربه شرق ایرانی و اسلامی: جندی شاپور، مسجد، زاویه، مکتب، مدرسه، بیت الحکمه و نظامیه

۳- تجربه ایران معاصر: پیشا کلاس، شبه کلاس، نیمه کلاس

۴- تجربه ایران جاری: ضد کلاس

مفهوم کلیدی پیشاکلاس اشاره‌ای به این واقعیت تاریخی معاصر دارد که با وجود فرم‌گرایی شبه مدرن در دوره قاجاریه و الگوگیری نه‌چندان

مناسب از مدل‌های کلاس به سبک نهادهای آموزشی غربی، همچنان آن فضا- دارالفنون امیرکبیری- فقط مکانی فیزیکی ذیل نام کلاس بوده است تا اینکه فضایی فرهنگی- اجتماعی باشد با اسم و رسم کلاس.

به همین روال نیز دو مفهوم مکمل شبه کلاس و نیمه کلاس که متعلق به دوران مدرنیسم پهلوی هستند، اشاره به این واقعیت دارد که با وجود رشد و توسعه نهادهای آموزشی مدرن در قالب دانشگاه و حذف پیشاکلاس، تبدیل شدن آن به فضای فرهنگی اجتماعی که کاملاً شایسته‌ عنوان و اسم و رسم یک کلاس درس کامل باشد، انتظار اجتماعی و فرهنگی به جایی نبوده و نیست.

مفهوم متمم ضد کلاس در دوران پیش روی اطلاق می‌شود که با وجود گسترش بی‌رویه و بی‌قاعده آموزش عالی و حجم توده‌های دانشگاه‌های دولتی و آزاد خصوصی، سازمانی و مانند آن همچنان شاهدیم که از لحاظ معناشناختی کلاس درس معنای علم‌آموزی و حقیقت‌جویی خود را از دست داده و کارکردهای معرفتی عقیدتی و اخلاقی خود را به آکادمی‌های موازی یا نهادهای بسیار خصوصی مبارزه علمی واگذار کرده است.

فصل اول تجربه غرب مسیحی

تجربه غرب، اعم از غرب عرفی در دوران یونان و روم باستان و غرب مسیحی در دوران قرون وسطا، رنسانس و مدرنیته تا دوران معاصر، سرشار از نوسان‌هایی در سیستم آموزش‌های دانشگاهی است. از نظر تاریخی آکادِمیا در از مکان مقدس در یونان باستان، آکادموس و باغ مقدس هکادمیا گرفته شده است و وجه تسمیه آن به آکادموس، قهرمان افسانه‌ای آتن در سده ششم پیش از میلاد برمی‌گردد. برگ و بار نشستن آکادمی، نیاز به تحول تاریخی برای تبدیل شدن به یونیورسیتاس داشت و دست‌کم در تجربه دینی قرون وسطا به کاتالیزوری آموزشی به نام اسکولا نیازمند بود. در اسکولا یا مدارس رهبانی و کشیشی، آموزش‌های مذهبی - علمی گزینش شده به متعلمان مسیحی ارائه می‌شود.

واژه یونیورسیتاس، از اصطلاح فرهنگ رایج در قرون وسطا گرفته شده است و نهادی ست مرکب از اساتید و طلاب و تلامیذ برای تدریس و تعلیم و تعلم دانشجویان ممتاز و مورد نیاز الهیات، پزشکی و مهندسی.

ویژگی‌های تاریخی نهادی آموزش آکادمیک مدرن در غرب بر مبنای داده‌های امیل دورکیم جامعه‌شناس تربیتی

▪ ساخت کلیسایی و مذهبی. مدارس و وابستگی دربار به مدارس اعیانی

▪ آموزش مذهبی و غیرمذهبی مردم

▪ آموزش هفت هنر مجتمع بر کوادروיום، هندسه، حساب، هیئت موسیقی و چیزی

- تعالیم آموزشی اسقف‌ها و راهبان
- تدوین پایان‌نامه در موضوعات مذهبی و عرفی
- به‌مواجهه کشاندن ایمان و علم و اعتقاد و استدلال و وابستگی مدارس به صومعه‌ها
- آموزش هم‌زمان هنرها و فنون و ادبیات و علوم و معارف مذهبی
- آموزش برای عموم و خصوص
- تعلیم چندگانه‌ی فصاحت، بلاغت، خطابت، ذکاوت، نزاکت
- آموزش زبان یونانی و لاتین
- آموزش دایره‌المعارفی و جامع‌المقدماتی

تجربه آکادمیای غربی حتی در قرون وسطای مسیحی، بیشتر متوجه چندین نوع برنامه آموزشی هم‌زمان بوده است؛ پرورش هم‌زمان ذهن و روح، مواجهه آموزشی ایمان و علم برای تقویت استدلال و اعتقاد، توسعه تفکر و نظم و انضباط، تقویت بنیه علم انسانی به همراه فن هنر مباحثه و مجادله، تقویت حس مسئولیت و شهروند جهان‌وطنی. پرواضح هست که بار اصلی تحقق این برنامه‌های آموزشی بر عهده کلاس بوده است که عناصر مقاوم آن عبارت بودند: از استاد، شاگرد، متن و متد.

به عبارتی در فضای آکادمیکی به نام کلاس درس، شاهد هم‌افزایی میان استاد شاگرد متن و متد هستیم. چنین دانشگاهی هم تن و جسم دارد (سازمان آموزشی) و هم روح و روان (برنامه آموزشی). این‌گونه دانشگاه‌های برآمده از فضای عقلانی شده تمدن غربی عرفی تبدیل به قانونی برای تولید تفکر و آموزش علمی و عقلانی شدند.

رکن قوام‌یافته نظام دانشگاه در غرب از همین آغازین سال‌های تأسیس، بر اخلاق حرفه‌ای استاد - شاگردی بنا شده بود و سنت دیگر در این میان قسم‌نامه شاگردان تازه استاد شده بود.

در مجموع ماهیت کلاس درس ایدئال، در گفتمان دورکیمی که به نوعی شاخص بارز ممتاز و متمایز کلاس درس در تمدن غرب مسیحی مدرن نیز هست با این نشانگرها قابل وصول است:

پرورش ذهن‌های زیبا، تربیت شاگردان نابغه، تربیت بحرالعلوم‌ها، تربیت و تعلم به‌عنوان نزاکت و ظرافت، تعلیم علم برای رفع جهل و نادانی، تعلیم علم برای زندگی

فصل دوم تجربه شرق ایرانی

تجربه موسع شرقی را باید از دو زاویه ژئوپلیتیک فرهنگی شرقی دید:

▪ **نخست؛** مرتبط با ایران و ایران باستان

▪ **دوم؛** مرتبط با تمدن اسلامی و ایران اسلامی

برای نخستین بار آموزش‌های زرتشتی دینی ایران باستان، جایی نیز برای آموزش‌های عرفی باز می‌کند. در تمدن ایران باستان کاربردی‌تر شدن امر آموزش را می‌توان به‌مثابه «آموزش، دانش و مهارت» تلقی کرد؛ به این معنا آموزش درسه سوی کاربردی شدن را نشان می‌دهد:

▪ **نخست** فرهنگ‌پذیری؛ آماده کردن کودک و نوجوان برای زندگی فردی و اجتماعی بر پایه فرهنگ قومی

▪ **دوم؛** اجتماعی شدن و پرورش شخصیت جمعی کودک و نوجوان

▪ **سوم؛** نقش اجتماعی و آموختن پیشه و حرفه برای داشتن شغل

- ویژگی‌های تاریخی - نهادی آموزش عمومی در ایران باستان
- چندگانگی آموزش‌ها (عرفی- شرعی، دانش-مهارت، سیاسی- فرهنگی، حرفه‌ای-مذهبی، توده‌ای- اشرافی)
 - منزلتی بودن و طبقاتی بودن آموزش‌ها
 - سنی و جنسی بودن آموزش‌ها
 - چند فضایی بودن محل آموزش‌ها(خانه آموزش‌گیرنده، سرای آموزگار، آتشکده، آموزشکده)
 - نظری و عملی بودن آموزش‌ها
 - ذهنی و بدنی بودن آموزش‌ها
 - چند سنتی بودن آموزش‌ها (ایرانی، یونانی، هندی، سریانی، مصری، رومی)

شئون اجتماعی- فرهنگی نهاد آموزشی عمومی در ایران باستان:

- ۱- **روش تدریس؛** زبان شفاهی، حافظه‌گرایی، تکرار‌گرایی
- ۲- **فن تدریس؛** نظری و عملی
- ۳- **ماده تدریس؛** اوستا، گرامر، زبان پهلوی، ریاضیات، طبیعیات، امور تربیت‌بدنی، مهارت‌های نظامی‌گری
- ۴- **هدف تدریس؛** فرهنگ‌پذیری، اجتماعی شدن، نقش‌پذیری اجتماعی
- ۵- **کارکرد تدریس؛** پرورش ذهن و روح، تقویت دانش- مهارت، ترویج روحیه سلحشوری، شکل‌گیری شهروند- سرباز

فصل سوم تجربه شرق اسلامی

کلاس - مسجد

در مسجد اسلامی، فضای قرین کلاس درس، علم‌آموزی هم‌عنان با روح و انگیزه عبادت بوده است و کلاس - مسجد در ابتدا بیشتر نقش عقیدتی داشته است و بعدها معرفتی.

پرواضح است که در این فضا، حس و حال آموزش دهنده و آموزش‌گیرنده در ابتدا اعتقادی و سپس انتقادی بوده است. ضمن آنکه کارکرد پنهان مسجد می‌توانست به تعلیم مهارت خواندن و نوشتن بیانجامد. مسجد به‌عنوان فضایی مقدس توانسته بود هم‌زمان دو نوع کلاس در مسجد پدید آورد:

کلاس حلقه‌ای برای شاگردان تخصصی و کلاس منبری برای مخاطبان عمومی.

کلاس - مکتب

در جوار مسجد و بنا به دلایل اجتماعی - فرهنگی، قرینه دیگری از کلاس شکل می‌گیرد که کمتر از جنس عقیدتی ناب است و بیشتر تلفیقی از عقیدتی - معرفتی است؛ با کارکرد آشکار توسعه و ترویج خواندن و نوشتن به قصد تقویت علم دینی و اخروی.

روح پداگوژیکی حاکم بر فضای کلاس مکتبی، انتقال شفاهی مطلب توسط مکتب‌دار، معلم مکتبی، حفظ و بازتولید آن توسط شاگرد مکتبی بود. در این فضای مکتبی «کلاس درس دیالوگی» هم نسبتاً ساخته می‌شد.

کلاس - مدرسه

به صورت تحولی و گاه هم‌عنان از دل سیستم آموزشی تربیتی مسجد - مکتب، تمدن اسلامی برای نخستین بار شاهد ظهور فضای مثبت نوپدیدی به نام مدرسه است که بیشتر سازه‌ای برون تمدنی و البته برگرفته از الگوی مدرسه در ایران باستان بود تا تمدنی دیگر. بر اساس این الگوی تمدنی، مدرسه در سه چرخه زیستی- آموزشی «ادبستان، دبستان، دبیرستان» تجربه می‌شد و به‌عنوان مکمل تحصیلات مکتب‌خانه بیشتر بار تحصیلات پیشا‌عالیه را بر عهده داشت. حلقه درسی، مهم‌ترین شکل معرفتی فضایی کلاس مدرسه بود. آزادی عمل کلاس درس هم در حوزه ماهیت تدریس و هم در عرصه مختار بودن معلم برای انتخاب سبک درسی‌اش، پرسش و پاسخ بین شاگرد - استاد و بحث انتقادی بینا شاگردی از دیگر شئون مدرسه بود.

کلاس، حجره و زاویه

در این سیستم‌ها کلاس، صرفاً فضایی معرفتی برای تعلیم و تعلم دانش صرف نیست؛ بلکه موضوع و مقری است که از آن و در آن میان آموزش‌دهنده و آموزش‌گیرنده نحوه‌ای از خلق و خو و ادب، انسان زیستی شریعتمدار (بر اساس سنت مذهبی اسلامی) و طریقت‌بار (بر اساس سنت عرفانی اسلامی) تولید و مصرف می‌شود.

همچنان که ملاحظه می‌شود در تمدن اسلامی برای ساختن کلاس درس بیشترین تأکیدات فرهنگی ممتاز و متمایز بر تدریس (نقش اجتماعی استاد) و یادگیری (نقش فرهنگی شاگرد) بوده است:

- در تدریس، شکل دادن به حلقه مباحثاتی میان استاد - شاگرد و نیز شاگردان، با هم، برای مرور و بازخوانی محتوای دروس اولویت داشته است.
- همچنین مناظره برای پیش کشیدن گفتگوی چالشی - انتقادی محتوای تدریس نیز نه تنها مهم تلقی می شده بله نوعی سنت آموزش علمی بوده است.
- تقویت مهارت های مکالمه علمی و بحث معرفتی از کارکردهای آشکار و پنهان این سیستم آموزشی بوده است.
- کارگزار اصلی کلاس های درس در این جوامع که امروز استاد نامیده می شوند، هرکدام ویژگی ها و مهارت های علمی آموزشی شان متصف به صفات علمی و مناسب آن شمع بوده؛ مانند امام (استاد الاساتید)، امیرالمؤمنین (لقبی برای محدثان بزرگ)، حافظ و فقیه (نامی برای علمای دینی بزرگ) رحله (دانشمندان بزرگ با شهرت جهانگیر)، محدث و مسند (اهالی مشهور در روایت و حدیث)

فصل چهارم پیشاکلاس و تجربه عصر قاجاریه

در این دوره که از ما نظر تاریخ اجتماعی به مثابه موقعیت آستانگی جامعه ایران معاصر برای ورود به عصر مدرنیته است، برای نخستین بار شاهد شکل‌گیری نهاد آموزشی علم و فناوری به قرینه دانشگاه ذیل عنوان دارالفنون هستیم که بانی و حامی اصلی آن میرزا تقی‌خان امیرکبیر صدراعظم فرهیخته مقتول ناصرالدین‌شاه قاجار بوده است.

شاخص‌های برجسته سیستم آموزش‌های قرینه دانشگاهی در دوره قاجاری با تأکید بر دارالفنون عبارت‌اند از:

- اعزام دانشجو به خارج
- استخدام مدرسان اروپایی، مدرسان ایرانی، مترجم ایرانی و کارکنان خدماتی آموزشی برای دارالفنون
- راه‌اندازی رشته‌های آموزش علم در دارالفنون
- تربیت دانشجو
- کلاس‌های درس‌های
- نشریه علمی دارالفنون

چالش‌های انتقال علم فناوری و پیشاکلاس

باز بودن دارالفنون به روی عامه و توده‌ای نشدن فرهنگ علمی، کمبود بودجه تخصیص‌یافته از سوی دولت برای انجام فعالیت‌های علمی، نقش قوی سنت‌های دینی و عادت‌های اجتماعی نامعهود، فعالیت‌های سیاسی و فرا علمی دانشجویان ایرانی دارالفنون در داخل و خارج از کشور، ناتوانی مدیران و برنامه‌ریزان نظام آموزشی، تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی میان معلمان و دانشجویان ایرانی با معلمان غربی.

در عصر قاجاریه می‌توان از دارالفنون و وزارت معارف به‌عنوان دستگانهایی یادکرد که برای سازمان‌دهی علمی و تدوین خط‌مشی‌های علمی ایجادشده بودند و به‌رغم موفقیت‌های نسبی این دو سازمان در سروسامان دادن به وضعیت آموزش‌های علمی - فنی در عصر قاجاریه، هدایت سازمانی و برنامه‌ریزی علمی مساعد مطلوب نبوده است.

فصل پنجم شبه کلاس، نیمه کلاس و تجربه عصر پهلوی

کلاس درس در دوره پهلوی که مرحله مدرنیزاسیون ایران است، بیشتر به فضای میانی و در حال گذر می‌ماند؛ گویی فضایی برزخی میان مکانی اجتماعی است که برخی شئون کلاس را دارد اما هنوز کاملاً کلاس درس نیست. از این رو تعبیرهای مانند شبه کلاس و نیمه کلاس می‌تواند حق مطلب را در این باره به خوبی ادا کند.

ریخت‌شناسی کلاس درس در این دوران را می‌توان به این صورت تصویر کرد:

کلاس‌های درسی پیشا دانشگاه تهران، بیشتر دو استادی - خارجی و داخلی - بوده و ترکیبی از آموزش نظری و عملی آزمایشگاهی بوده است. با توجه به نسبت خوب دانشجو استاد (۷ به ۱)، به لحاظ منطقی فرصت کافی برای رسیدگی به امور درسی دانشجو توسط استاد فراهم بوده است.

با توجه به فضای دانشجویی محدود و امکانات مناسب اولیه احتمالاً موقعیت استادشاگردی خوبی نیز وجود داشته است.

فهرستی از عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر تحول نظام دانشگاهی این دوره و شکل‌گیری فضای بهینه کلاس درس دانشگاهی:

بروز تفکر انتقادی میان نخبگان مؤثر، تصمیم‌سازی عقلانی مدیران سیاسی، وجود دولت پاسخگو به اجتماع، ارجاع نیازهای خود به متخصصان دانشگاهی آموزش دیده، تأثیر نظام نمایندگی تحول‌خواه، تدوین منابع و ضوابط حقوقی موردنیاز تحول فرهنگی، گسترش آموزش‌های عمومی، تأمین منابع مالی آموزش دانشگاهی.

کلاس درس پس از دانشگاه تهران

دوره پهلوی اول از نظر ریختار کلاس درس با چند نشانگر قابل توصیف است:

وجود کلاس متوازن از نظر جنسیتی، نسبت متناسب شاخص دانشجو به استاد، غلبه کمی رده‌های علوم انسانی و سپس پزشکی بر سایر کلاس‌ها، وجود استادان خارجی برای برخی کلاس‌های درسی، وجود استادان دوزیست متعلق به دو نظام آموزشی حوزوی و دانشگاهی

نشانگرهای اصلی مرتبط با آموزش عالی دانشگاه دانشجو برای تحلیل محتوای کلاس درس در دوره پهلوی (۱۳۵۰-۱۳۲۰):

- گسترش فضاهای آموزشی پیشا دانشگاهی
- افزایش پیشتازان بالقوه ورود به نظام دانشگاهی
- توسعه متوازن جنسیتی در آموزش عالی با تأسیس دانشسرای عالی دخترانه و پسرانه
- افزایش حجم مؤثر دانشجویان در دوره پهلوی اول

- متنوع ساختن رشته‌های دانشگاهی
- افزایش هیات علمی
- ارتقاء شاخص نسبت دانشجو به استاد
- تنوع رشته‌ای در فضای دانشگاهی در پایان سال ۱۳۲۵
- غلبه دانشجویان علوم انسانی

دوره پهلوی دوم

این دوره نیز از نظر استمرار مدرنیسم فرهنگی، بر گسترش‌های کمی و کیفی آموزش عالی دانشگاه و تغییر شکل کلاس درس مؤثر بوده است. نخستین عامل استانی شدن نسبی آموزش عالی، با تأسیس شش موسسه آموزش عالی آغاز می‌شود.

نشانگرهای مهمی که بر شکل دادن و یا از شکل افتادن کلاس درس در این دوره مؤثر بوده‌اند؛

- تراکنش نامتوازن دانشجویان
- پراکندگی آماری دانشجویان در موسسه آموزش عالی تهران
- شهرستانی شدن نسبی آموزش عالی
- دوجنسی کردن کلاس درس البته با وزن قوی مردانه شدن و ایجاد رقابت آموزشی
- مرکز زدایی نسبی و مقدماتی از کلاس درس
- خصوصی شدن و به نوبه غیردولتی شدن کم‌رmq و آموزش عالی،
- تکوین کلاس درس دانشگاهی غیردولتی
- سرریز شدن کلاس‌های درسی دانشگاهی از دانشجو

بر اساس این تجربه و روایت می‌توان شاهد بود که در دوران پهلوی، کلاس‌های درس دانشگاهی تلفیقی از روابط خشک علمی و روابط منعطف انسانی بین استاد و شاگرد و شاگردان با یکدیگر بوده است. حفظ حرمت استاد نزد دانشجو و برعکس، مانعی برای کنش متقابل عاطفی رو در روی انسانی نبوده است. ضمن آنکه چنین تعاملی سد راه علم آموز نیز نمی‌شده است.

شاید تنها مشکل، فاصله طبقاتی و شکاف در خاستگاه اجتماعی استادان و دانشجویان بوده است. این مطلب که استادان در طبقه بالای اجتماعی قرار داشتند و دانشجویان بیشتر یا به طبقه متوسط یا پایین تعلق داشته‌اند می‌توانسته بر روال و روند تعامل، مؤثر واقع شود. از این‌ها مهم‌تر، فرهنگ‌پذیری سیاسی استادان و دانشجویان در آن دوران تاریخی مهم را نیز نباید نادیده گرفت. گاه تعامل علمی استاد سیاسی با دانشجوی غیرسیاسی و گاه دانشجوی سیاسی با استاد غیرسیاسی و گاه دانشجوی و استاد سیاسی را که با هم در تضاد قرار داشته‌اند. توانسته بازی زبانی استاد دانشجو را به شیوه دیگری رقم بزند.

فصل ششم؛ ضد کلاس و تجربه دوران جمهوری اسلامی ایران

بخش مهم دیگری از بازخوانی تجربه‌های تاریخی کلاس درس به دوره جاری جمهوری اسلامی اختصاص دارد که از نظر تاریخ فرهنگی به چند دوره خرد قابل تقسیم است. این دوره‌ها در نهایت همگی متأثر از ضرورت‌های یک انقلاب عقیدتی هستند که برگرفته از اسلام‌گرایی سیاسی- شیعی است و ایدئولوژی دین‌گرا- علم ستیز آن نیز بر سامان دادن یابی سامان کردن آموزش عالی، دانشگاه، علم‌ورزی و کلاس درس مؤثر بوده است.

دوره جمهوری اسلامی نیز ضدیت با فرهنگ غربی و تشبه به فرهنگ و تمدن اسلامی به ایجاد موج دانشگاه اسلامی غیر غربی و کلاس درس بومی منجر می‌شود. برای شناخت عمیق و دقیق وضع کلاس درس بومی در دوران پیش‌روی نیازمند فهم استراتژی عقیدتی و معرفتی مهمی که جمهوری اسلامی در پیش گرفته است هستیم که دارای دو ویژگی مهم است:

- شالوده‌زدایی از معرفت عرفی غربی باهدف حذف سامانه آموزش عالی علم‌ورزی غربی و دانشگاه مدرنیستی
- شالوده‌زدایی برای معرفت قدسی اسلامی باهدف حفظ سامانه آموزش عالی علم‌ورزی دینی و ساختن دانشگاه سنتی

در دوره تعریف انقلاب فرهنگی شاهد چند تغییر فرهنگی در ریختار کلاس درس هستیم که بیشتر منجر به تکوین دوباره کلاس درس، تکثیر و تثبیت آن و در نهایت تغییر و تحریف کلاس درس متعارف شده بود. در این میان و در شکل‌گیری چنین وضعی برای کلاس درس دانشگاهی چند رخداد تاریخی اجتماعی عامل مؤثر بودند:

- ۱- خیزش به سمت دانشگاه انقلابی که به تکمیل نوین کلاس درس از سال ۱۳۵۷ بعد از انجام است.
 - ۲- ایجاد دانشگاه آزاد اسلامی که موج اول توسعه نوین کلاس درس از سال ۱۳۶۱ را به دنبال دارد.
 - ۳- ایجاد دانشگاه‌های دولتی در شهرستان‌هایی که موجب موج دوم توسعه کلاس درس از سال ۱۳۷۰ است.
 - ۴- ایجاد دانشگاه پیام نور که با موج نخست تکثیر کلاس درس از سال ۱۳۶۷ است.
 - ۵- ایجاد دانشگاه جامع علمی کاربردی که موج دوم تکثیر کلاس درس از سال ۱۳۷۱ است.
 - ۶- ایجاد توده‌ای موسسه‌های آموزش عالی غیرانتفاعی غیردولتی، موسسه‌های مستقل سازمانی وابسته به دستگاه‌های اجرایی و موسسه‌های آموزشی موازی آزاد خصوصی که در نهایت به تغییر ماهیت کلاس درس ختم می‌شود.
- نتیجۀ رخدادهای فرهنگی در آموزش عالی و دانشگاه خواسته یا ناخواسته منجر به پدیده ضدیت با کلاس درس شده است که شکل‌های اجتماعی متنوع و متفاوت آن را می‌توان در کلاس‌های درسی دانشگاه‌های دولتی آزاد پیام نور و غیره مشاهده کرد.
- در سه دهه ۱۳۵۸ الی، ۱۳۸۷ کلاس‌های درس در کلیت خود نامتوازن بودند؛ به این معنا که از نظر جنسیت مرد گرا، از نظر معرفتی مربی گرا، از نظر فضا مرکزگرا و از نظر سازمانی دولتی گرا بودند.

این چهار عامل به دو صورت برقرار شدن کلاس درس تأسیس تأثیر داشته است:

- نخست تک‌گویی شدن و تک‌صدایی شدن در تعلیم و تعلم
- دوم عارضه کم‌مهارتی و غیرحرفه‌ای شدن در تعلیم و تعلم

در سال‌های بعد، دوگانگی سیستم آموزشی کیفی گرا و کمی گرا منجر به شکل‌گیری دو فرم و فرمت متضاد از کلاس در نیمه نخست دهه ۱۳۹۰ در جمهوری اسلامی ایران شده است:

▪ نخست کلاس پر کیفیت که با دانشجویان پیرانگیزه و مستعد، مدرسان متخصص با سواد تر و مدیریت سازمانی علم‌گرا قابل توصیف است.

▪ دوم کلاس کم کیفیت که با دانشجویان کم‌انگیزه و کم استعداد مدرسان تازه‌کار و کمتر متخصص و مدیریت سازمانی پول‌گرا و صف‌شدنی است.

بخش دوم

روایت تجربه‌های زیسته کلاس درس

فصل ششم کلاس درس در تجربه زیسته دانشجویان

تجربه زیسته دانشجویان از کلاس درس حول دو نوع تجربه سامان یافته است:

تجربه از کلاس و تجربه از استاد

تجربه آنان نسبت به کلاس درس همراه است با نارضایتی از کلاس، شکل نگرفتن ایده‌های نو در کلاس، نبود همیاری فکری در کلاس، فقدان هوشیاری لازم در سر کلاس، بی‌توجهی به تکالیف کلاسی، فقدان بحث و گفتگوی علمی با همکلاسی‌ها، غیبت فراوان از کلاس درس.

تجربه آنان نسبت به استاد نیز همراه است با: دین داشتن به استاد، فقدان احترام متقابل بین استاد و دانشجو، نارضایتی از شیوه تدریس استاد، تلقی نکردن استاد به عنوان الگوی علمی دانشجو، تلقی نکردن استاد به عنوان الگوی اخلاقی دانشجو، راهنمایی نشدن از سوی استاد برای کار جمعی کلاسی، تنش و درگیری استاد و دانشجو.

این موارد تحلیل آنان از وضع موجود یک فضای دانشگاهی است: نبود طرح درس، هزینه بر بودن نقد اساتید، تدریس به سبک شهود عامیانه، مشکلات ساختاری کلاس درس، به روز نبودن اساتید، تدریس به سبک مدرسه‌ای، ملزم کردن دانشجو به خرید کتاب‌های اساتید، به روز نبودن منابع درسی، روابط تیره استاد و دانشجو، ارائه دروس ناکارآمد، منابع امتحانی نامناسب، روش نامناسب گرفتن امتحان. آنان گفتند که در ترسیم یک فضای مطلوب آکادمیک نیاز به حضور چند عنصر مهم و مؤثر است:

استاد خوب، دانشجوی خوب، دانشکده خوب و کلاس خوب یعنی محلی اجتماعی- فرهنگی برای تعامل، دارای کمترین روابط قدرت، مشارکتی، بدون تنش و استرس، محرک انگیزه‌های علمی، منتظم، پویا- دوستانه و مجهز.

فصل هفتم کلاس درس در تجربه زیسته استادان

مهم‌ترین دغدغه استادان، مسائل و مصائب کلاس درس دانشگاهی است؛ مانند:

پایین بودن سطح اطلاعات دانشجویان، تقلب درسی، تخلف کلاسی، دانشجو سالاری، تصور اشتباه از دانشگاه، رویه غلط در امتحان گرفتن، تناقض نظام آموزشی سنتی و مدرن، گریز از یادگیری، یکسان بودن دانشجویان کلاس، بی‌انگیزگی دانشجو، کتاب نخوانی دانشجویان و جزوه مداری کلاس‌ها.

درعین حال استادان معتقدند باید از تجربه‌ها و ایده‌های نو برای بهبود کلاس درس دانشگاه‌ها سود جست؛ مانند:

تشکیل کمیته برنامه‌ریزی در کلاس، تعیین ضوابط آمدررفت در کلاس گفتگویی کردن کلاس، لذت‌مند و مفید کردن کلاس، ایجاد درک متقابل عاطفی دانشجو و استاد، شیوه پژوهش کلاس جمعی، جرات‌مند کردن دانشجو به سؤال و نقد کلاس و استاد.

نتیجه‌گیری

آموزش عالی علم‌ورزی و کردار دانشگاهی در جمهوری اسلامی ایران مواجهه با یک رخداد جامعه‌شناسی قابل‌تأمل و تالمی مواجه شده است که از بیخ و بن این نظام‌های سه‌گانه را با چالش روبرو کرده است و منظور درس زدایی از درس، کلاس زدایی از کلاس، دانشجو زدایی از دانشجو، استاد زدایی از استاد و علم زدایی از علم است.